

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شاعر: گرامی یاد "احمد شاملو"

فرستنده: احمد پوپل

۱۳ جون ۲۰۲۵

سرگذشت

سایه ابری شدم بر دشت ها دامن کشاندم:

خارگن با پشته خارش به راه افتاد

عابری خاموش، در راه غبار آلوده با خود گفت:

«- هه! چه خاصیت که آدم سایه یک ابر باشد!»

کفتر چاهی شدم از برج ویران پرکشیدم:

برزگر پیراهنی بر چوب، روی خرمنش آویخت

دشتبان، بیرون کلبه، سایبان چشم هایش کرد دستش را

و با خود گفت:

«- هه! چه خاصیت که آدم کفتر تنهای برج کهنه ای باشد؟»

آهوی وحشی شدم از کوه تا صحرا دویدم:

کودکان در دشت بانگی شادمان کردند

گاری خردی گذشت، اراهران پیر با خود گفت:

«- هه! چه خاصیت که آدم آهوی بی جفت دشتی دور باشد؟»

ماهی دریا شدم نیزار غوکان غمین را تا خلیج دور پیمودم.

مرغ دریائی غریبی سخت کرد از ساحل متروک

مرد قایقی کنار قایقش بر ماسه مرطوب با خود گفت:

«- هه! چه خاصیت که آدم ماهی ولگرد دریائی خموش و سرد باشد؟»

کفتر چاهی شدم از برج ویران پرکشیدم

سایه ابری شدم بر دشت‌ها دامن کشاندم
آهوی وحشی شدم از کوه تا صحرا دویدم
ماهی دریا شدم بر آب‌های تیره راندم.

دلّی درویشان به دوش افکندم و اوراد خواندم
یار خاموشان شدم بیغوله‌های راز، گشتم.
هفت کفش آهنین پوشیدم و تا قاف رفتم
مرغ قاف افسانه بود، افسانه خواندم باز گشتم.

خاک هفت اقلیم را افتان و خیزان درنوشتیم
خانه جادوگران را در زدم، طرفی نیستم.
مرغ آبی را به کوه و دشت و صحرا جُستم و بیهوده جُستم
پس سمندر گشتم و بر آتش مردم نشستم.